

A comparative study of the interpretive views of Ayatollah Javadi and Allameh Tabatabai on how the semantic and content relationship of verse distances

(Received: 05/11/2021- Accepted: 28/06/2023

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.1402.8.1.1.3>

Ali Asghar Akhondi¹

Abstract

Quran is the word of the wise and the parts of the word of the wise are purposeful and related to each other. The final part of the verses, which is called Distance, is special and unique in the Qur'an, and its semantic break with the previous one cannot be imagined. Therefore, one of the basic issues in the discussion of proportionality is the semantic and content connection between distance and verse. But the basic question is how is this connection? What types of semantic connection can be considered for distance? How have commentators looked at this connection? In this article, which is written in a library style and a descriptive analytical method, a comparative study of the approach of two great contemporary commentators, namely Allameh Tabatabai and Ayatollah Javadi Amoli, in dealing with the final part and its semantic connection with the content of the verses, is discussed. In this study, 29 types of semantic links between the distance and the content of the verse were identified and classified into two general categories, thematic and human. Out of this number, 14 types are common between both commentators, which can be mentioned such as: protest and proof, statement of the general law, emphasis, confirmation, consolidation, completion, extension, deduction, interpretation and explanation of the content of the verse. Allameh Tabatabaei in Tafsir al-Mizan, and 13 types in Tasnim, Ayatollah Javadi Amoli, have addressed two types exclusively.

Keywords: Distances of verses, Semantic link, Types of semantic communication, Allameh Tabatabai, Ayatollah Javadi Amoli, Tafsir Al-Mizan, Tafsir of Tasnim.

1. Assistant Professor, Department of Education, Shahrood University of Technology, Shahrood, Iran. ali15as51@yahoo.com

بررسی تطبیقی آرای تفسیری آیت الله جوادی و علامه طباطبایی در چگونگی ارتباط معنایی و محتوایی فواصل آیات

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۷)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.1402.8.1.1.3>

علی اصغر آخوندی^۱

چکیده

قرآن کلام حکیم است و اجزای کلام حکیم هدفمند و در ارتباط با یکدیگر هستند. جزء پایانی آیات که فاصله نامیده می‌شود، در قرآن ویژه و منحصر به فرد است و نمی‌توان گسست معنایی آن را با قبل تصور کرد. از همین رو یکی از موضوعات اساسی در بحث تناسب، پیوند معنایی و محتوایی فاصله با آیه است. اما سؤال اساسی این است که این پیوند چگونه است؟ چه گونه‌هایی از ارتباط معنایی را می‌توان برای فاصله در نظر گرفت؟ مفسران چگونه به این ارتباط نگریسته‌اند؟ در این مقاله که به شیوه کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی نوشته شده، به بررسی تطبیقی رویکرد دو مفسر بزرگ معاصر یعنی علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی در مواجهه با فاصله و نحوه ارتباط معنایی آن با محتوای آیات پرداخته شده است. در این بررسی ۲۹ گونه پیوند معنایی فاصله با محتوای آیه شناسایی و به دو دسته کلی موضوعی و انسانی دسته‌بندی گردید. از این تعداد، ۱۴ گونه مشترک بین هر دو مفسر است که می‌توان به مواردی مانند: احتجاج و برهان، بیان قانون کلی، تأکید، تأیید، تثبیت، تتمیم، تعلیل، تفریح، تفسیر و توضیح محتوای آیه اشاره کرد. دو گونه را فقط به صورت اختصاصی علامه طباطبایی در تفسیر المیزان و ۱۳ گونه را نیز آیت‌الله جوادی آملی به صورت اختصاصی در تسنیم به آن پرداخته‌اند.

کلمات کلیدی: فواصل آیات؛ پیوند معنایی؛ گونه‌های ارتباط معنایی؛ علامه طباطبایی؛ آیت‌الله جوادی آملی؛ تفسیر المیزان؛ تفسیر تسنیم.

۱. مقدمه

از ویژگی‌های قرآن که از جانب خدای حکیم نازل شده، این است که تناسب و هماهنگی در بالاترین سطح آن وجود دارد؛ به گونه‌ای که تمام اجزای کلام و جملات یک آیه با یکدیگر در ارتباط معنایی هستند. در این میان نقش جمله پایانی یعنی فاصله آیه، ویژه و منحصر به فرد است و گسست معنایی آن با ما قبل قابل تصور نیست. از همین رو یکی از موضوعات اساسی در بحث تناسب، پیوند معنایی و محتوایی فرجام آیه با مضمون آن است. اگر در میان مفسران متقدم کمتر کسانی به این موضوع توجه کردند و به اندازه تناسب آیات و سوره به آن بها ندادند؛ امروزه برای همه روشن است که آیه یک واحد منسجم و به هم پیوسته است و نمی‌توان اجزای آن را بی‌ارتباط با قسمت‌های دیگر دانست، خصوصاً که این جزء مهم جمله پایانی آیه باشد. به همین دلیل در دوران معاصر مفسران سعی کرده‌اند ارتباط و تناسب معنایی فاصله را بیشتر توضیح دهند.

بر همین مبنا با مراجعه به دو تفسیر المیزان و تسنیم مشاهده می‌شود علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی به این مهم توجه داشته و بر تبیین ارتباط و پیوند معنایی اختتام آیه با محتوا و مضمون آن همت گماشته و آن را در جای جای تفسیر خود بیان کرده‌اند. اما سوال مهم این است که هر کدام از این دو مفسر چه رویکردی داشته و چگونه به این ارتباط پرداخته‌اند؟ چه گونه‌هایی پیوند معنایی را در تفسیرشان می‌توان بازایی کرد؟ اشتراکات و اختصاصات آنها در این گونه‌ها کدامند؟

در این مقاله که با روش کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی-تحلیلی به انجام رسیده، ضمن بازایی گونه‌های پیوند معنایی به مقایسه تطبیقی این دو تفسیر در زمینه تبیین این ارتباط پرداخته شده است. درباره پیشینه موضوع باید اذعان نمود، گرچه نگارنده در رساله دکترای خود با عنوان «فواصل و چگونگی ارتباط معنایی آنها با آیات» تا حدی به این بحث ورود کرده، اما با جستجویی که انجام گرفت، تاکنون مقاله‌ای که به صورت تطبیقی در گونه‌های ارتباط معنایی فواصل در تفاسیر کار کرده باشد، یافت نشد.

۲. مفهوم‌شناسی فاصله

کلمه فاصله اسم فاعل از ریشه «فصل» به معنای جداکننده بین دو چیز است که باعث تمییز و آشکار شدن آنها می‌گردد (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۱۲۶/۷؛ ابن فارس، ۱۳۹۹ق: ۵۰۵/۴؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶ق: ۱۰۴۲/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۵۲۱/۱).

در معنای اصطلاحی فاصله تعاریف زیادی وجود دارد. برخی آن را حروف همگون پایان آیات دانسته‌اند که باعث فهم بهتر معنا می‌شود (رمانی، ۱۳۸۷ق: ۹۷؛ باقلانی، ۱۹۹۷م: ۶۱)، برخی دیگر به اواخر آیات فاصله گفته‌اند (راغب اصفهانی، بی تا: ۳۹۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۵۲۴/۱)، بی آنکه مشخص سازند منظور حرف، واژه یا جمله آخر آیه است. زرکشی (۱۴۱۵ق: ۱۴۹/۱) و سیوطی (بی تا: ۲۶۶/۲) فاصله را کلمه آخر آیه مانند قافیه در شعر و سجع در نثر معرفی می‌کنند. همچنین گفته شده: «فاصله توافق حروف پایانی آیات در حروف روی یا وزن است» (حسنای، ۱۴۰۶ق: ۲۹). این تعاریف گرچه در نوع خود صحیح است اما جامع و مانع نیست. از این رو بر این باوریم که می‌توان تعریفی دقیق‌تر ارائه کرد: «فاصله دارای دو جنبه صوتی و دلالتی است. از جنبه صوتی، فاصله، حروف و کلمه پایانی آیه است که به آیات یک سوره نظم و آهنگی خاص می‌بخشد. از جنبه دلالتی، عبارت و جمله پایانی و مستقل برخی آیات است که دارای اهدافی خاص بوده و با مفاد و محتوای آیه خود ارتباط معنایی و ثیقی دارد» (آخوندی، ۱۳۹۴: ۲۱؛ ۱۳۹۵: ۸۱-۹۶). آنچه در این پژوهش مورد توجه است جنبه دلالتی و محتوایی فاصله است.

۳. گونه‌های تناسب و پیوند معنایی فاصله با آیه

این نکته ثابت است که عبارات و جملات فرجامین آیات با محتوا و مضمون ماقبل خود رابطه و پیوند معنایی دارند. اما آیا این پیوندها در همه آیات یکسان است؟ یا از کیفیت و گونه‌های متعددی برخوردار است؟ با بررسی فواصل در می‌یابیم که برخی از آنها تعلیل، تأکید، متمیم، تأیید، تفریح، تفسیر و توضیح، احتجاج، تلخیص و... محتوا و موضوع آیه هستند؛ از این رو آنها را با عنوان ارتباط معنایی موضوعی دسته‌بندی می‌کنیم. از طرفی برخی دیگر از فواصل بیانگر تهدید، تنبیه، تحریک و تحریض و... می‌باشند که در ارتباط با کسانی است که طرف خطاب آیه هستند یا درباره آنها سخن گفته شده است. این دسته را پیوند معنایی انسانی می‌توان دسته‌بندی کرد. اکنون این دو دسته کلی را در تفاسیر المیزان و تسنیم کاویده و ضمن بازیابی، آنها را مورد مقایسه قرار می‌دهیم که کدام یک در هر دو تفسیر مشترک و کدام یک اختصاصی است.

۳-۱. گونه‌های موضوعی پیوند معنایی مشترک در المیزان و تسنیم

فرجام برخی از آیات از جنبه موضوعی با ماقبل خود در ارتباط هستند. گونه‌هایی از این نوع را که می‌توان در هر دو تفسیر بازشناسی کرد عبارتند از:

۳-۱-۱. احتجاج و برهان محتوای آیه

در بیشتر مواقع، جملات پایانی بسیاری از آیات قرآن که دارای استدلال منطقی است، مقدمه دوم قیاس و کبرای قضیه را تشکیل می‌دهد. علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی که خود از فیلسوفان معاصر هستند، در بسیاری از آیات به این مطلب اشاره و بیان داشته‌اند که فاصله آیه برهان و احتجاج بر مطالب آن است.

علامه طباطبایی سیاق جمله «وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ» را در آیه «اسْتَغْفِرْ لَهُمْ اَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ اِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِيْنَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَفَرُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ» (توبه/۸۰) سیاق استدلال قیاسی می‌داند که مقدمه اول آن «ایشان به خدا و رسولش کفر ورزیدند. پس ایشان فاسق‌اند» و مقدمه دوم نیز «مغفرت، هدایت به سوی سعادت قرب و بهشت برین است. خدا مردم فاسق را هدایت نمی‌کند» می‌باشد. نتیجه نیز «مغفرت شامل ایشان نمی‌گردد» است (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۵۵۲/۹). ایشان در آیات ۱۱ تا ۱۳ سوره نحل معتقد به سه نوع احتجاج است. همچنین جمله «وَمَا لِلظّٰلِمِيْنَ مِنْ نّٰصِيٍّ» در آیه ۸۱ سوره حج را از لطیف‌ترین احتجاجات قرآنی می‌داند (همان: ۶۰۴/۱۴). در آیات ۷۵ سوره حج (همان: ۶۰۸/۱۴) و ۳۰ سوره لقمان (همان: ۳۷۱/۱۶) همین دیدگاه را دارند.

آیت‌الله جوادی نیز بسیاری از آیات قرآن را براساس برهان و قیاس فلسفی تفسیر می‌نماید که جمله پایانی در این آیات، قسمت مهمی از برهان است که بیشتر در نقش کبرای قضیه ظاهر می‌شود. ایشان در بعضی آیات فقط به برهان قضیه بودن جمله پایانی اشاره و در برخی دیگر صغرا و کبرای قضیه را نیز روشن نموده و در معدودی نوع قیاس را نیز معرفی کرده است. مثلاً جمله «وَهُوَ مَعَهُمْ اِذْ يُنۡتَوٰنَ مَا لَا يَرۡضٰی مِنَ الْقَوۡلِ» در آیه ۱۰۸ نسا را برهان اول مسئله و جمله پایانی «وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا يَعۡمَلُوْنَ مُحِیۡطًا» را برهان دوم و اعم از برهان اول بیان کرده است. زیرا خداوند محیط به تمام کارهای زشت و زیبایی آنهاست و احاطه خداوند اختصاص به کارهای حرام مانند خیانت ندارد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳۶۴/۲۰).

ایشان در آیات ۲۵۱ سوره بقره (همان: ۷۱۴/۱)، ۱۵۱ سوره نسا (همان: ۲۶۵/۲۱)، ۲۱ و ۷۶ سوره انعام (همان: ۶۰۰/۲۴؛ ۹۰/۲۶)، ۱۷۰ سوره اعراف (همان: ۶۰۴/۳۰) نیز ارتباط جمله پایانی با محتوای آیات را از نوع احتجاج و برهان دانسته است.

بدین صورت روشن می‌شود که از دیدگاه این دو مفسر بزرگ، جمله پایانی در بسیاری از آیات به صورت قیاس و برهان چه نقش مهمی در اثبات امری که آیه در پی آن است، دارد.

۳-۱-۲. بیان قانون کلی

در بسیاری از موارد، محتوای آیه شامل نکات و مسائل جزئی است، ولی جمله پایانی، قانون عام و کلی را بیان می‌دارد. یعنی ارتباط و پیوند برقرار شده از جزء به کل است. گرچه قوانین عام و کلی در پایان آیات، بسیار به کار رفته و مواردی از جمله ﴿وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾ (آل عمران/۱۴۰)، ﴿وَمَا اللَّهُ بِعَافٍ لِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (بقره/۱۴۹)، ﴿وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (نور/۶۴) و... را می‌توان به عنوان نمونه آورد، اما علامه درباره جمله ﴿وَمَنْ يَظْلِمْ مِّنْكُمْ نَذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا﴾ در آیه ۱۹ سوره فرقان به صراحت می‌نویسد این جمله از قبیل وضع قانون عمومی در جای حکم خاص است؛ زیرا اگر منظور از آن حکم خصوصی بود، حق کلام این بود که بفرماید: (و نذیقکم بما ظلمتم عذاباً کبیراً)، برای اینکه همه آنان به ظلم شرک ظالم بودند. گویا فرمود که چون معبودهای شما، تکذیب‌تان کنند و نتوانند بلاگردان و یار شما باشند، پس حکم عمومی الهی ﴿وَمَنْ يَظْلِمْ مِّنْكُمْ نَذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا﴾ را که دارای نفوذ و جریان است، کسی نمی‌تواند مانع شود یا به تأخیر اندازد (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۲۷۳/۱۵-۲۷۴).

آیت‌الله جوادی آملی هم در آیات بسیاری به قانون و اصل کلی که در فاصله آیه آمده، اشاره کرده است؛ مانند جمله ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾ در آیه ۲۷ سوره مائده که از زبان هابیل اصل کلی را بازگو می‌کند که تقوای فعل، شرط صحت عمل و کمال قبول است و خداوند فقط از کسانی می‌پذیرد که عمل را صرفاً برای خدا انجام می‌دهند و قصد ریا و سمعه و فریب ندارند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۹۹/۲۲-۳۰۰). همچنین از دیدگاه ایشان پایان آیات ۴۴، ۴۵ و ۴۷ سوره مائده (همان: ۵۲۴/۲۲، ۵۲۳) و آیه ۹۹ سوره اعراف (همان: ۵۴۶/۲۹) اصل کلی و قانونی عمومی ارائه داده است.

ملاحظه می‌شود که در بسیاری از آیات پس از ذکر مسائل جزئی، در پایان آیات قانونی عام و کلی در آن رابطه بیان شده است.

۳-۱-۳. بیان هدف، غایت و غرض آیه

گاهی متکلم در پایان سخن دلیل آنچه از مخاطب می‌خواهد یا هدف سخن خود را در کلام بیان می‌کند و از مخاطب رسیدن به آن هدف را می‌طلبد. این مسئله‌ای است که به وضوح در پایان بسیاری از آیات قرآن خصوصاً در جملاتی که همراه با «لعل» است، مشاهده می‌شود.

علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی هر دو به این موضوع توجه کرده‌اند؛ مثلاً علامه جمله «لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ»، در آیه ﴿يَقُولُونَ اقْتِرَاءَ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا

أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مَنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ﴾ (سجده/۳) غایتی برای ارسال رسول دانسته است، اما نه غایتی حتمی بلکه رجائی و احتمالی. نتیجه و غایت احتمالی رسالت رسول خدا ﷺ هدایت یافتن قوم است، (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۳۸۲/۱۶). یا جمله لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ، در آیه ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (زخرف/۳) غایت و غرض عربی قرار دادن قرآن را بیان می‌کند (همان: ۱۳۰/۱۸). در آیات ۵۷ سوره انفال (همان: ۱۷۲/۹)، ۱ سوره ابراهیم (همان: ۱۵/۱۳) و ۴۶ سوره روم (همان: ۳۱۴/۱۶) نیز بیان هدف و غرض آیه قابل مشاهده است.

مفسر تسنیم نیز اشاره کرده که هدف و غایت آیه بعد از «لَعَلَّ» ذکر شده است: «قرآن کریم از دستیابی به غایات اوامر و نواهی الهی بیشتر با تعبیر امید و انتظار یاد می‌کند (لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) (بقره/۲۱، ۶۳)، (لَعَلَّكُمْ يَهْتَدُونَ) (بقره/۱۵۰، آل عمران/۱۵۳) و (لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) (آل عمران/۱۳۰، ۲۰۰)» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۵۲۶/۳۲).

ایشان در تفسیر آیه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) (بقره/۱۸۳) هدف روزه را تقوا بیان می‌دارد (همان: ۲۵۹/۹، ۲۷۳)؛ اما هدف از وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ، را در آیه ۱۸۹ همین سوره تقوا نمی‌داند، بلکه آن را مقدمه و زمینه رسیدن به هدف دیگری به نام فلاح و رستگاری معرفی می‌کند. در حقیقت تقوا نسبت به بعضی از امور مقصد است ولی نسبت به کمال آینده وسیله و فلاح هدف آن است (همان: ۵۴۹/۹).

۳-۱-۴. تأکید محتوای آیه

تأکید یکی از پرکاربردترین ارتباط معنایی فاصله و محتوای آیه است. فاصله با توجه به جایگاه و اهمیتش در پایان آیه، می‌تواند تأکید قسمتی یا تمام محتوای آیه باشد. با مطالعه تفسیر المیزان و تسنیم روشن می‌شود که این دو مفسر در موارد بسیاری فاصله آیه را به عنوان تأکید محتوا برشمرده‌اند. به عنوان مثال، علامه جمله ﴿وَلَا تَعْوُا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾ در آیات ۸۵ سوره هود و ۱۸۳ سوره شعرا را نهی تأکیدی از کم فروشی و کم کردن مکیال و میزان که نوعی فساد در زمین است، برشمرده است (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۵۵۲/۱۰ و ۴۷۴/۱۵). یا جمله پایانی آیه ﴿وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ فَآلَوْهُمْ نَصِيحَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا﴾ (نسا/۳۳) تأکیدی برای لزوم دادن نصیب هر کسی معرفی شده است (همان: ۵۰۶/۴).

در تفسیر تسنیم نیز نمونه‌های فراوانی وجود دارد که به تأکید محتوا تعبیر شده است؛ مانند، وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ، در آیه ﴿وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيًّا

وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾ (بقره/۷۸) که جز تأکید مستثنی که همان امیت و عدم آگاهی است چیزی استفاده نمی‌شود... (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳۰۵/۵). یا فرمان به «تقوا» و «قول سدید» در پایان آیه **﴿وَلِيُخَشِ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ ضِعْفًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾** (نساء/۹) تأکیدی است بر نهی برگرفته از صدر آیه **﴿وَلِيُخَشِ الَّذِينَ...﴾** (همان: ۴۴۸/۱۷). به هر حال هر دو مفسر در آیات زیادی فاصله را به عنوان تأکید محتوای آیه گرفته‌اند.

۳-۱-۵. تأیید محتوای آیه

برخی از فواصل آیات نیز تأییدکننده قسمتی یا تمام محتوای آیه هستند. به باور علامه دو صفت «عزیز» و «وهاب» در پایان آیه **﴿أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنٌ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ﴾** (ص/۹) برای تأیید خلاصه گفتار آیه است. به این معنا که هیچ سهمی از خزینه‌های رحمت خدا به دست مردم نیست؛ زیرا خدا عزیز و مقامش منیع است و احدی نمی‌تواند در کار او دخالت کند. همچنین آنها نمی‌توانند رحمت خدا را از احدی جلوگیری کنند. برای اینکه خدا وهاب و بسیار بخشنده است (طباطبائی، ۱۳۷۰: ۲۹۲/۱۷). همچنین است جمله **﴿هُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُوْنَ﴾** در آیه ۲ سوره ملک که مطالب صدر آیه را تأیید می‌نماید (همان: ۹/۲۰).

آیت الله جوادی آملی نیز «جمله **﴿وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾** در آیه ۲۴۶ سوره بقره را مؤید گفتار پیامبر بنی اسرائیل می‌داند که به تعلیم وحی فرموده بود که شاید اگر جنگ بر آنها واجب شود، در برابر دشمن مقاومت نکنند **﴿هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا﴾** آن گروه ستم‌پذیر با سکوتشان ستمگر را تقویت کردند و در حد خود ظالم شدند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۶۱۸/۱۱).

۳-۱-۶. تثبیت معنای آیه

از دیگر انواع پیوند معنایی فرجام آیه، تثبیت معنا و محتوای آیه یا قسمتی از آن است. علامه در تفسیر چند آیه به این مطلب اشاره کرده‌است؛ مثلاً جمله پایانی **﴿لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾** بعد از نهی در آیه **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾** (مائده/۹۰) این معنا را تثبیت می‌کند که امید به رستگاری برای کسانی که از مفاسد اجتناب نمی‌ورزند، نیست (طباطبائی، ۱۳۷۰: ۱۹۲/۶). همچنین جمله **﴿إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ﴾** در آخر آیه **﴿وَتَلَكَّ حُجَّتَنَا أَلْتَنَاهَا بَرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَاءٍ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ﴾** (انعام/۸۳) این معنا را که همه این برتری‌ها و امتیازاتی را که خداوند به ابراهیم داده از روی علم و حکمت بوده، تثبیت می‌کند (همان: ۳۱۸/۷).

همین گونه است دیدگاه آیت الله جوادی در آیه ۲۰ سوره بقره که جمله «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، قدرت بی کران خداوند در پایان سخن، برای تثبیت وعیدهای بیان شده در آیه گفته شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳۴۵/۲-۳۴۶). یا آوردن دو نام «عَفْوٌ» و «غَفورٌ» در پایان آیه «فَأُولَٰئِكَ عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفْوًا غَفُورًا» (نساء/۹۹) برای تثبیت امیدواری و نشان سبقت رحمت الهی بر غضب اوست (همان: ۲/۲۳۵). همچنین جمله «وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ» در آیه «وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَاتِ تَارَاجَهُنَّ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُنَّ وَلَهُنَّ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ» (توبه/۶۸) برای تثبیت معنای خلود عذاب است، نه صرف خلود (همان: ۴/۴۶۳).

۳-۱-۷. متمیم معنای آیه

جمله پایانی آیه می تواند نقش تمام کننده معنا و محتوای آیه را داشته باشد. علامه معتقد است که خداوند با جمله «وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ» تعلیل و بیانی را که آیه «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران/۶۸) بر آن دلالت دارد، متمیم می نماید (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۳/۱۳۴). جمله «وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» نیز در پایان آیه «اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (توبه/۸۰) متمم قبل از خود است (همان: ۹/۵۵۲).

آیت الله جوادی نیز جمله «وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» در پایان آیه ۲۱۶ سوره بقره را برای متمم تخطئه مؤمنان که از جنگ کراهت دارند، می داند و می نویسد: «این جمله تنه‌ای از تخطئه مؤمنان به سبب کراهت از جنگ است. خدای سبحان برای ارفاق و آماده سازی ذهن مؤمنان ابتدا با جمله «وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ» زمینه تخطئه در معیار تشخیص کراهت و محبت را ایجاد کرد و آنان را از جهل مرکب به مقام شک و جهل بسیط آورد و بعد فرمود که حکم و جوب قتال را خدایی تشریح کرده است که دانای مطلق است و چیزی از حقایق بر او پوشیده نیست. ولی علم انسان ها از هر نظر محدود است و معلومات بشر در برابر مجهولات همچون قطره ای مقابل دریاست» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۰/۵۵۱).

۳-۱-۸. تعلیل متن آیه

یکی از عام ترین گونه های پیوند معنایی فاصله و محتوای آیه تعلیل است؛ یعنی جمله و عبارت پایانی علت حکم و محتوای قبل از خود است. در تفسیر المیزان فاصله در ۱۵۰ آیه به عنوان تعلیل حکم آیه تفسیر شده و در تفسیر تسنیم نیز

آیات بسیاری را می‌توان یافت که فرجام آنها با واژه‌هایی چون تعلیل، علت، دلیل، راز، سبب، جایگزین علت جای معلول و سبب جای مسبب و... معرفی شده‌است. هیچکدام از انواع دیگر مانند تأکید، تأیید و... مانند تعلیل از عمومیت برخوردار نیست.

از دیدگاه علامه عبارت «إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» در پایان آیه «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (نحل/۱۸) که بسیاری نعمت خداوند را تعلیل می‌کند از لطیف‌ترین و دقیق‌ترین تعلیل‌هاست، زیرا با این تعبیر می‌فهماند که خروج نعمت از حد احصا از برکات دو صفت مغفرت و رحمت اوست (طباطبائی، ۱۳۷۰: ۳۲۱/۱۲). یا جمله «وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» در پایان آیه ۴۳ سوره احزاب در حکم علت برای «هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْنَكُمْ» است و معنای آیه چنین است که خداوند بر شما صلوات و درود می‌فرستد؛ زیرا عادت او این است که بر مؤمنان رحمت فرستد، شما هم مؤمن هستید. بنابراین چنین شایستگی را دارید که درود و صلوات بر شما بفرستد تا شما را رحمت کند (همان: ۵۱۴/۱۶). جمله «وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» نیز در آیه ۶۰ سوره نور تعلیل حکمی است که در آیه تشریح شده‌است (همان: ۲۳۴/۱۵). به هر حال علامه به «تعلیل» فاصله نسبت به محتوای آیه بیش از بقیه انواع پیوند معنایی اشاره کرده‌است.

آیت الله جوادی آملی همه اسمای حسنای الهی که در پایان آیات آمده را به منزله تعلیل مفاد کل آیه می‌داند و می‌نویسد: «بیان تعلیل در ذیل آیه شواهد فراوانی دارد؛ مانند اسم «غفور» و «رحیم» در پایان آیه: «وَآخِرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخِرًا سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (توبه/۱۰۲) که دلیل توفیق توبه گناهکاران است. نیز فقرات «إِنَّ رَبَّكَ لَبَلِغٌ صَادِقٌ» (فجر/۱۴) و «إِنَّمَنْ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ» (سجده/۲۲) که تعلیل عذاب امت‌های گذشته است و دو اسم «عزیز» و «حکیم» در آیه «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَتْ نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (مائده/۳۸) که برای تعلیل جعل حد سرقت آمده‌است» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۰۳/۱۲-۱۰۴). بر این اساس تعداد آیاتی که جمله پایانی آنها تعلیل حکم و محتوا است بسیار بیش از آن چیزی است که واژه تعلیل و علت دلیل، سبب، راز... در آنها بیان شده‌است. ایشان جمله «إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» در آیه ۵۴ سوره بقره را تعلیلی برای قبول توبه از جانب خداوند می‌داند (همان: ۴۵۹/۴).

۳-۱-۹. تفریع و نتیجه‌گیری از محتوا

اینکه متکلم سخن خود را به گونه‌ای تنظیم کند که در پایان آن نتیجه‌گیری کند، امری طبیعی است. حتی گاهی کلام به واحدهای کوچکتری تقسیم و نتیجه در

پایان هر واحد بیان می‌شود. هرکدام از آیات قرآن یک واحد است که در بسیاری مواقع مطلب کاملی را ارائه می‌دهد. بر این اساس هر آیه می‌تواند با نتیجه‌گیری از مطالب مطروحه در آن پایان پذیرد. این همان چیزی است که هر دو مفسر در تفسیر جمله پایانی بسیاری از آیات به آن اشاره کرده‌اند.

علامه معتقد است جمله «وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ» در آیه «ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ» (انعام/۶۲) نتیجه مطلب قبل از خودش است. زیرا این معنا را روشن می‌سازد که خدای تعالی حساب عمل مردم را از زمان مناسب تأخیر نمی‌اندازد (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۲۱۰/۷). همچنین جمله «وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» در پایان آیه ۱۳ سوره انعام به منزله نتیجه جمله «وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ» در ابتدای آیه است (همان: ۴۴/۷).

آیت الله جوادی آملی نیز جمله «تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» را بسان نتیجه‌گیری از مجموع مطالب آیه ۵۴ سوره اعراف می‌داند، بدین معنا که اگر پیدایی و پرورش جهان هستی به دست خداست و او خالق و رب جهانیان است، همه برکات و فیض‌ها نیز از اوست (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۴۵/۲۹). همچنین جمله «فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ» که با «فاء» تفریح پس از جمله «وَأَنْتَ أَتَى الْقَوْمُ» در آیه ۴۵ سوره توبه آمده، حالت نتیجه‌گیری دارد (همان: ۱۶۱/۳۴).

۳-۱-۱۰. تفسیر، توضیح و تبیین محتوای آیه

یکی دیگر از گونه‌های پیوند معنایی جمله پایانی با آیه ارتباط تفسیری است، بدین معنی که فاصله آیه تبیین تمام یا قسمتی از آیه باشد. به عنوان مثال علامه جمله «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» را روشن‌گر و توضیح‌دهنده جمله قبل از خود یعنی «وَاللَّهُ يَعَصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» در آیه ۶۷ سوره مائده می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۸۴/۶-۸۵). یا جمله «وَهُوَ الْحَكِيمُ الْحَنِيفُ» در آیه «وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْحَنِيفُ» (انعام/۱۸) مبین این مطلب است که قهر خداوند مانند قهر دیگران از روی جهل و گزاف نیست و مثل بقیه در قهرش و در هیچ کار دیگری دچار خبط و غلط نمی‌شود (همان: ۵۴/۷).

از دیدگاه آیت الله جوادی نیز جمله پایانی آیه ۱۷۹ اعراف یعنی «أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» تبیین، تشریح و تحلیل جمله ماقبل خود یعنی «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۴۱/۳۱).

۳-۱-۱۱. زمینه‌سازی و مقدمه‌چینی برای بعد

برخی فواصل علی‌رغم ارتباط با محتوای آیه خود، نقش و وظیفه زمینه‌چینی

برای محتوای آیه بعدی را نیز برعهده دارند. این مطلب اعم از آن است که آیه بعد به عنوان تعلیل، تفسیر، تحلیل و یا تفصیل فرجام آیه قبل باشد. به عنوان مثال در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره/۱۵۳) توجه بیشتری به صبر شده، بر خلاف آیه ۴۵ سوره بقره که بیشتر توجه به نماز شده است. علتش این است که در آیه ۱۵۳ مقام آماده ساختن افراد برای مواجهه با مشکلات جهاد و مقابله با شجاعان لشکر دشمن است و باید به موضوع صبر و استقامت بیشتر اهمیت داده شود؛ لذا می فرماید: «خدا همراه صابران است» (طباطبائی، ۱۳۷۰: ۱/۴۸۳). همچنین علامه از جمله «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا، در آیه ﴿وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا، يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ (انسان/۳۰-۳۱) به صراحت به عنوان زمینه چینی برای مضمون آیه بعدی نام می برد (همان: ۲۰/۳۸۳).

مفسر تسنیم نیز جمله «وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ، در ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَاسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُحْرَجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَزْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ﴾ (بقره/۸۴) را مقدمه ای برای توییح در آیه ۸۵ می داند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۵/۴۱۹). جمله «إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ، نیز در آیه ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾ (آل عمران/۹۷) سرفصل آیات پسین است که درباره جنگ افروزان ضد دین سخن می گویند. این سرفصل بیان وعده تخلف ناپذیر خداوند نسبت به پیروزی مؤمنان و هزیمت و شکست کافران و مشرکان است (همان: ۱۳/۲۴۷). جمله «أَعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ، در آیه ﴿وَسَارِعُوا إِلَى مَعْفَرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (آل عمران/۱۳۳) در حکم مقدمه برای بیان اوصاف پرهیزگاران است که در آیات بعد از ویژگی های آنان به ترتیب درجات تقوا سخن به میان آمده است (همان: ۱۵/۵۵۸).

دو صفت حق تعالی در جمله «خداوند توبه پذیر و مهربان است» در پایان آیه ۱۶ سوره نسا، هم دلیل محتوای آیه است و هم زمینه را برای آیه بعدی فراهم می کند (همان: ۱۷/۶۶۷). همین گونه است جمله «وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا، ذیل آیه ۳۹ نسا که زمینه ساز آیه بعدی است (همان: ۱۸/۶۷۷).

آنچه گفته شد انواع و گونه های مشترک ارتباط و پیوند معنایی فاصله با محتوای آیه در دو تفسیر المیزان و تنسیم بود. مواردی که هر دو مفسر بزرگ معاصر در تفسیر جمله پایانی آیات به آنها اشاره کردند.

۲-۳. گونه های اختصاصی ارتباط و پیوند معنایی موضوعی در المیزان

بعضی از گونه های ارتباط معنایی را فقط در تفسیر المیزان مشاهده می کنیم، بدون اینکه آیت الله جوادی به آن اشاره ای کرده باشد:

۳-۲-۱. تقریر معنای آیه

از گونه‌های ارتباط معنایی مخصوص المیزان، تقریر معنای آیه است؛ مثلاً جمله «وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» با دو اسم «عزیز» و «حکیم» حکم آیه شریفه «مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (فاطر/۲) را تقریر می‌کند. یعنی خداوند هرگز شکست نمی‌خورد؛ نه زمانی که اعطا می‌کند، کسی هست که مانع اعطایش شود و نه وقتی که منع می‌کند، کسی هست که منع کرده او را اعطا کند؛ زیرا او عزیز و غالب است. از سوی دیگر در آنجا که اعطا می‌کند، عطائش ناشی از حکمت و مصلحت است، منع هم که می‌کند باز ناشی از حکمت و مصلحتی است که در منع می‌بیند. خلاصه کلام، اعطا و منعی همه از روی حکمت است. به دلیل اینکه او حکیم است» (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۲۰/۱۷). جمله «وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا» در پایان آیه دوم سوره فرقان نیز تقریر و بیان معنای عموم ملک است (همان: ۲۵۰/۱۵).

۳-۲-۲. خلاصه محتوای آیه

گاهی متکلم خلاصه‌ای از آنچه بیان کرده است، در پایان کلام خود بازگو نماید. در آیات قرآن نیز برخی از فواصل همین نقش را برعهده داشته و خلاصه‌ای است از آنچه در آیه گفته شده است. علامه در آیه «ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا الشُّوْءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (نحل/۱۱۹) بر این باور است که جمله پایانی این آیه که با فاصله آیه ۱۱۰ همین سوره هم مشترک است برای بیان خلاصه محتوای آیه آمده است. فایده خلاصه‌گیری، نگهداری فهم شنونده است از اینکه دچار تشویش و گمراهی گردد و نیز اظهار عنایت نسبت به اینکه مغفرت و رحمت همواره بعد از توبه است (همان: ۵۶۴/۱۲).

۳-۳. گونه‌های اختصاصی ارتباط و پیوند معنایی موضوعی در تسنیم

در تفسیر تسنیم موارد بیشتری از ارتباط و پیوند معنایی فاصله را مشاهده می‌کنیم که در تفسیر المیزان نیامده است. یعنی آیت‌الله جوادی به تبیین ارتباط فاصله با محتوای آیه اهتمام بیشتری داشته است.

۳-۳-۱. بیان حکم فراگیر آیه (صدر آیه مصداق ذیل آن)

چه بسا در آیه‌ای مصادیق ذکر شود که مصداق یک اصل کلی هستند و آن اصل نیز در پایان آیه بیان شده باشد. آیت‌الله جوادی در تفسیر «إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ» مصداق رأفت و رحمت خالص در آیه ۱۴۳ سوره بقره را افزون بر پذیرش ایمان و نمازهایی که مسلمانان به سمت بیت المقدس گزارده‌اند، هدایت مؤمنان به

پذیرش حکم تغییر قبله می‌داند؛ زیرا این حکم دینی آزمون بزرگی بود که با تأیید الهی تنها مؤمنان مطیع و منقاد بدان موفق شدند که قوام دین خود را تسلیم برابر خداوند می‌دانستند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳۵۲/۷). همین طلب را درباره فاصله آیات ۶۸ انعام (همان: ۵۱۸/۲۵) و ۱۲۳ توبه (همان: ۵۴۴/۳۵) مشاهده می‌کنیم.

۳-۳-۲. پاسخ گویی به مخالفت و اعتراض

فاصله برخی از آیات، پاسخ به موضع‌گیری و اعتراضات دشمنان است. به باور مفسر تسنیم تعبیر، **وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ**، در پایان آیه ۲۰۵ سوره بقره (همان: ۲۲۶/۱۰)، جمله **وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ**، در آیه ۲۴۷ سوره بقره (همان: ۶۴۳/۱۱)، جمله **إِنَّ اللَّهَ يَخْتَصِمُ مَا يُرِيدُ**، در پایان آیه اول مائده (همان: ۵۱۵/۲۱ - ۵۱۶) و جمله **سَجَّاتُهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ**، در آیه ۱۰۰ انعام (همان: ۴۲۲/۲۶ - ۴۲۳) این نقش را در آیات خود دارند.

۳-۳-۳. تحدید مفهوم آیه

فاصله آیه می‌تواند مفهوم و محتوای آیه را محدود نماید؛ مثلاً جمله **وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ**، در آیه **(وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ)** (بقره/۱۸۸) ممکن است در مقام تحدید بوده و مفهوم داشته باشد که آنچه باطل و حرام بودن آن را نمی‌دانید، ظاهراً حلال است (همان: ۵۱۳/۹).

۳-۳-۴. تقيید محتوای آیه

در مواردی فاصله آیه اطلاق جملات قبل از خود را مقید می‌کند؛ مثلاً جمله **وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ**، در آیه ۲۶ سوره بقره مقید اطلاق **يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا**، است. بسیاری که مورد اضلال کیفری واقع می‌شوند، فاسقان هستند و این تقيید همراه با حصر است (همان: ۵۲۱/۲). یا قید **إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**، در پایان آیه **(رِسَالُوكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرَ اللَّهِ وَأَطِيعُوا أَمْرَ رَسُولِهِ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)** (انفال/۱) به نحو تنازع، متعلق به هر سه حکم پیشین، یعنی دستور تقوا و امر اصلاح رابطه و فرمان اطاعت از رسول اوست (همان: ۶۱/۳۲).

۳-۳-۵. جمع بندی مطالب آیه

جملات پایانی برخی آیات جمع بندی مطالبی است که در آن آیه و یا آیات قبل آمده است؛ مانند جمله **وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا**، که در پایان آیه ۱۵۷ سوره نسا، جمع بندی نهایی است که کلمه قتل در آن، جامع قتل و صلب است برخلاف قتل در **وَمَا**

قَتْلُوهُ، که به قرینه تقابل در مقابل صلب بود. پس آنها مسیح را نه به سبک عادی کشتند و نه به دار آویختند (همان: ۳۱۰/۲۱). دو جمله پایانی آیه ۷۴ سوره اعراف، فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْوَا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ، ذکر عام پس از خاص و جمع بندی نهایی مطالب پیش گفته است. پس از نعمت های فراوانی که خدا به شما ارزانی داشت، شکرگزاری کنید و از ایجاد فساد و افساد زمین بپرهیزید (همان: ۳۵۲/۲۹).

۳-۳-۶. جمله معترضه

احتمال اینکه جمله پایانی آیه ارتباط آن چنانی با ماقبل و مابعد نداشته و به عنوان جمله معترضه آمده باشد نیز وجود دارد. مفسر تسنیم درباره جمله، وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ، در آیه ﴿وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّقِيَمَ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيُقْضَىٰ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾ (انفال/۴۴) بر این باور است که جمله ای معترضه است که در پایان سخن آمده است (همان: ۵۱۸/۳۲).

۳-۳-۷. جهت دادن به محتوای آیه

عبارت «إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ، در آیه ﴿إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا مِنِّي إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران/۱۷۵) برای جهت دادن به خوف و قبله نمایی برای آن به کار رفته است (همان: ۳۶۶/۱۶).

۳-۳-۸. دفع توهم و گمان اشتباه از محتوا

گاهی متن آیه به گونه ای است که دشمنان می توانند توهم یا گمان اشتباهی از آن داشته باشند. برای برطرف کردن این توهم یا گمان در پایان آیه عبارت یا جمله ای آورده شده است؛ مانند جمله، «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ»، در آیه ۱۶۷ سوره آل عمران که برای جلوگیری از توهم ترتب علم خداوند بر امتحان است. آیه تصریح می کند که دانش خداوند به اسرار نهایی انسان بهتر از خود اوست (همان: ۲۵۳/۱۶). همچنین جمله، «وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، در آیه ۱۹ سوره مائده هم برای ابطال و رد توهم یهود در نبودن پیامبری بعد از حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام است که خداوند قادر است پس از موسای کلیم پیامبری را به رسالت برانگیزد و هم هشدار می دهد همه مردم به ویژه اهل کتاب است که اگر شما پیغمبر اسلام را یاری نکنید، خدا قدير است و او را کمک می کند (همان: ۲۳۰/۲۲).

۳-۳-۹. سرچشمه و منشأ محتوای آیه

این عنوان می تواند تحت عنوان تعلیل نیز بیاید، اما به نظر می رسد که آیت الله جوادی در آیاتی عامدانه و عالمانه از واژه های منشأ و سرچشمه بهره برده و

کلماتی همچون تعلیل، علت، دلیل، راز و سبب را استفاده نکرده است. در تفسیر جمله «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» در پایان آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (نسا/۲۹) با عنوان «رحمت الهی سرچشمه احکام» به توضیح آن پرداخته است (همان: ۴۳۱/۱۸). علم و حکمت خداوند که در پایان آیه «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه/۶۰) ذکر شده، مبدأ تنظیم احکام و حکم الهی است (همان: ۳۰۷/۳۴).

۳-۳-۱۰. ضمانت اجرایی محتوای آیه

هر قانونی برای این که درست اجرا شود نیاز به ضمانت اجرایی دارد. هر قانونی بدون ضمانت اجرایی با چالش‌های فراوانی رو به رو می‌شود. در پایان بسیاری از آیات قرآن کریم پشتوانه و ضامن اجرایی آیه بیان شده که بیشتر ذکر اسامی و صفات الهی و توجه به آخرت است. مفسر تسنیم در آیه ۶۷ سوره انفال (۶۷/۳۳) تمام اسماء و صفات حسنی الهی را که در پایان آیات می‌آیند پشتوانه و ضامن اجرایی آن آیه معرفی می‌نماید. اسمای حسنی «سمیع» و «علیم» ذیل آیه ۲۵۶ سوره بقره پشتوانه مضمون آیه و ضامن اجرای آن است (همان: ۱۸۰/۱۲-۱۸۱). توجه به سمیع و بصیر بودن خدای سبحان در آیه ۵۸ سوره نسا نیز ضامن اجرای احکام الهی است (همان: ۲۲۲/۱۹).

۳-۳-۱۱. واسطة العقد

بنابر آنچه آیت الله جوادی آملی در تسنیم گفته است نوع دیگری از ارتباط و پیوند معنایی را می‌توان با عنوان واسطة العقد معرفی کرد. منظور از واسطة العقد آن است که جمله پایانی آیه ارتباط دو آیه را با یکدیگر برقرار می‌کند. درباره جمله «لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» در پایان آیه ۲۱۹ و ابتدای آیه ۲۲۰ سوره بقره نوشته است: «این جمله در وسط این دو آیه که جزئی از آیه اول و دوم را تشکیل می‌دهد، در حکم واسطة العقدی است که مسائل این دو آیه را به هم پیوند می‌زند و محور تفکر را بیان می‌کند، ... این جمله پیوند دو آیه را روشن می‌کند و تفکر درباره دنیا و آخرت را زیور آن مسائل قرار می‌دهد» (همان: ۷۰/۱۱). همچنین فقره «وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» در آیه ۴۱ سوره انفال که درباره خمس است، واسطة العقد و ترجیع بندی است که گذشته را به آینده مرتبط می‌کند (همان: ۴۷۷/۳۲).

۳-۴. گونه‌های مشترک پیوند معنایی انسانی در المیزان و تسنیم

علاوه بر آنچه به عنوان ارتباط و پیوند معنایی موضوعی فاصله با آیه مطرح شد؛ در برخی آیات این ارتباط به نوعی دیگر تبیین شده و آن اینکه فرجام آیات در ارتباط با کسان است که در محتوا از آنان سخن گفته شده است یا مورد خطاب بوده‌اند. مفاهیمی از جمله تهدید و وعید، تحریض و وعده، تنبیه و توبیخ، عتاب و مذمت و... را در این نوع می‌توان دید.

۳-۴-۱. تشویق، تهییج، ترغیب، تحریک و بشارت

در بسیاری از آیات، برای عمل به احکام و قوانین محرک‌هایی در نظر گرفته شده است. عبارات یا اسما و صفاتی در پایان بسیاری از آیات آمده است که جنبه تشویق و ترغیب دارد؛ مانند عبارات «أُولُو الْأَبْجَابِ»، «أُولُو الْعِلْمِ»، «لِأُولِي الْأَبْصَارِ»، «لِأُولِي النَّهْيِ» و «قَسَمَ لِيذِي حِجْرٍ» (فجر/۵) که گویای قدرت تفکر افراد انسانی است و بیان آنها در فرجام آیات جنبه ترغیب و تشویق دارد و انسان را برای به کارگیری عقل و فکر خویش تحریک و تهییج می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۱۱/۳۱).

علامه طباطبایی معتقد است که خدای تعالی آیه سوره ۶۷ سوره نحل را با جمله «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» به پایان برد تا مردم را در تعقل و دقت در امر نباتات و میوه‌ها تحریک کند (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۴۴۰/۱۲). یا جمله «وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» را در ذیل نهی از خیانت در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (انفال/۲۷) برای این فرمود که غیرت به حق مسلمانان را تهییج کرده و فطرت آنان را در این قضاوت بیدار کند (همان: ۸۴/۹).

آیت‌الله جوادی نیز واژه «الْمُحْسِنِينَ» را در پایان آیه ۲۳۶ سوره بقره تشویق به متصف شدن مردان به صفت احسان می‌داند؛ زیرا که نیکوکاران حکم الهی را در پرداخت حقوق دیگران محترم می‌شمارند و آن را ادا می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۴۴۷/۱۱). همچنین دو اسم مبارک «غنی» و «حمید» در پایان آیه ۲۶۷ همین سوره سهم تعیین کننده‌ای دارند در ترغیب به انفاق اولاً و تشویق به دادن مال طیب ثانیاً و انفاق حلال ثالثاً و انفاق محصول دسترنج نه مال به رایگان رسیده رابعاً و... (همان: ۴۰۶/۱۲).

۳-۴-۲. هشدار، وعید و تهدید

عبارات و جملاتی مانند «هُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»، «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» که در پایان آیات آمده است، فقط کاربرد تهدیدآمیز داشته و برای انذار به کار می‌روند. اما عبارات دیگری وجود دارند که با توجه به سیاق آیات از آنها برداشت هشدار، وعید و

تهدید می‌شود. از این نمونه می‌توان به عبارات ﴿فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ (عنکبوت/۶۶)، ﴿وَاللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (توبه/۱۶)، ﴿وَإِنَّهُ إِلَيْهِ مُخَشَرُونَ﴾ (انفال/۲۴) و ﴿وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾ (انعام/۱۳۴) اشاره کرد که مفسران عباراتی همچون «تهدید و وعید ضمنی»، «ناظر به وعید»، «با نوعی تهدید همراه است» برای آنها به کار برده‌اند.

علامه دربارہ جمله پایانی آیه ﴿لِيُكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَسْتَعْتَبُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ (عنکبوت/۶۶) می‌نویسد: «این جمله بیانگر تهدید است؛ زیرا معلوم است که وقتی بزرگی زبردست خود را به چیزی که دوست ندارد امر می‌کند، می‌خواهد او را تهدید کند... و جمله ﴿فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ نیز این تهدید را بیشتر آشکار می‌سازد. این معنا با آیه ۴ سوره روم که می‌فرماید: ﴿لِيُكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمْتَعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ تأیید می‌شود» (طباطبائی، ۱۳۷۰: ۲۳۸/۱۶ - ۲۳۹). ایشان به تهدید اجمالی فاصله آیه ﴿فَإِنَّ زَلْزَلَةً مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَ نُكْمِ الْآيَاتِ فَاَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (بقره/۲۰۹) نیز معتقد است (همان: ۱۴۰/۲).

جمله ﴿وَمَا لِلَّهِ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾ در آیات ۱۴۴ و ۱۴۹ سوره بقره از دیدگاه آیت الله جوادی برای انذار و تهدید ضمنی است؛ زیرا تعبیر غافل نبودن خدا مشابه تعبیر تهدیدآمیز «در کمین بودن خدا» ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبَالْمُرْصَادِ﴾ است. و آن که در کمین است، غافل نخواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳۹۵/۷ و ۴۷۴).

۳-۴-۳. تنبیه، سرزنش و توبیخ

برخی از فواصل قرآن انسان را به نعمت‌ها و شکرگزاری برای آن‌ها تنبیه داده و در صورت عدم شکرگزاری توبیخ می‌کند. علامه جملات «أَفَلَا يَسْمَعُونَ» و «أَفَلَا يَبْصُرُونَ» در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره سجده (طباطبائی، ۱۳۷۰: ۴۱۹/۱۶) و «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» در آیه ۸ سوره مؤمنون (همان: ۷۸/۱۵) تنبیه و توبیخ کفار و حتی تحریک آنها بر توجه و سپس ایمان دانسته است. همچنین در باره جمله «قَلِيلًا مَّا شَكَرُوا» در آیات ۱۰ سوره اعراف و ۷۸ سوره مؤمنون بر این باور است که در عین بیان حقیقت، بویی از عتاب و مذمت را می‌رساند (همان: ۷۷/۱۵).

آیت الله جوادی نیز جمله «لَيْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» را در آیه ۶۳ مائده دال بر مذمت ربانیان می‌داند، چنان که جمله «لَيْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» در آیه قبلش بر سرزنش گنهکاران و متجاوزان (رشوه‌خواران یهود) دلالت دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۵۲۶/۲۲ - ۵۲۷). همچنین جمله «فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ» در آیه ۸۳ سوره توبه برای سرزنش منافقان به دلیل هم‌ردیف دانستن آنان با زنان و کودکان معذور است (همان: ۷۴/۳۵).

۳-۵. گونه‌های اختصاصی ارتباط و پیوند معنایی انسانی در تسنیم

در تفسیر تسنیم به گونه‌هایی از ارتباط مانند استهزا و تحقیر و تبشیر و انذار برمی‌خوریم که در میزان مورد توجه واقع نشده است:

۳-۵-۱. استهزا و تحقیر

یکی از اقسام ارتباط فاصله با ماقبل می‌تواند از نوع استهزا و تحقیر کسانی باشد که آیه درباره آنان نازل شده است. مثلاً جوادی آملی جمله «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ» در پایان آیه ۱۷۹ سوره اعراف را دارای سه تأکید برای تحقیر دانسته است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۴۱/۳۱). عبارت «أَقْدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ» نیز در آیه ۴۶ سوره توبه برای تحقیر منافقان به کار رفته و آنها را مانند کسانی که توانایی جنگ ندارند دانسته است (همان: ۱۷۴/۳۴).

۳-۵-۲. وعده و وعید، تبشیر و انذار

برخی از فواصل آیات هر دو جنبه وعده و وعید یا انذار و تبشیر را با هم دارند. یعنی در آن واحد نسبت به مؤمنین وعده و بشارت است و نسبت به کسانی که سرپیچی نمایند وعید و تهدید است. جمله «إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» در آیه «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَآمِنُوا بِمَا قَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ مَجْدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره/۱۱۰) متضمن وعده نسبت به خیر و وعید نسبت به شر است. شاید اهتمام به این مطلب سبب شده است که از اسم ظاهر کمک گرفته شود، با اینکه اگر به صورت ضمیر ارائه می‌شد، کافی بود (همان: ۱۷۶/۶-۱۷۷).

آیت الله جوادی درباره «سَرِيعُ الْحِسَابِ» بودن خدا نیز در پایان آیات بر این باور است که این عبارت در قرآن کریم به دو صورت آمده است: ۱- وعده: خداوند سرعت در حساب را به مؤمنان وعده داده است؛ مانند «أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (آل عمران/۱۹۹). ۲- وعید: خداوند درباره طاغیان فرموده است که با سرعت به حسابتان رسیدگی خواهد کرد «وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (آل عمران/۱۹). به هر حال عنوان «سَرِيعُ الْحِسَابِ» که از اسمای حسنی الهی است در ذیل هر دو قسم یاد شده (وعده و وعید) مطلق است و در هر موردی به کار رود شامل هر دو قسم خواهد شد (همان: ۷۶۵/۱۶-۷۶۶).

جمله «وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا» در آیه «وَمَا ذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَانْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا» (نسا/۳۹) هرچند به ظاهر خبری است به داعی انشا بیان شده و برای مؤمنان وعده است و برای غیر آنان وعید (همان: ۶۷۱/۱۸).

نتیجه

از مطالب ذکر شده در این مقاله می‌توان موارد ذیل را به عنوان نتیجه‌گیری بیان کرد:

۱. یکی از موضوعات قطعی در قرآن به هم‌پیوستگی و تناسب معنایی در قسمت‌های مختلف آیه از جمله فاصله است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان و آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم به پیوند معنایی فاصله با آیه به خوبی توجه کرده‌اند، به نحوی که با مراجعه به این دو تفسیر گونه‌های بسیاری از ارتباط و پیوند معنایی را می‌توان بازشناسی کرد.

۲. با بررسی المیزان ۱۷ گونه ارتباط معنایی فاصله بازیابی می‌گردد و در تفسیر تسنیم گونه‌های بیشتری وجود دارد.

۳. گونه‌های ارتباط معنایی فاصله با محتوای آیه را در دو دسته موضوعی و انسانی می‌توان دسته‌بندی کرد. فواصلی که با موضوع و محتوای آیه در ارتباط هستند، موضوعی و دسته دیگر را که با افراد مخاطب آیه در ارتباط هستند، انسانی نام‌گذاری می‌شود.

۴. پیوند معنایی موضوعی که در هر دو تفسیر مشترک است عبارتند از: احتجاج و برهان برای محتوای آیه؛ بیان قانون کلی؛ بیان هدف، غایت و غرض آیه؛ تأکید محتوای آیه؛ تأیید محتوای آیه؛ تثبیت معنای آیه؛ متمیم معنای آیه؛ تعلیل متن آیه؛ تفریع و نتیجه‌گیری از محتوا؛ تفسیر، توضیح و تبیین محتوای آیه و زمینه‌سازی و مقدمه‌چینی برای بعد.

۵. پیوند معنایی موضوعی اختصاصی در المیزان: تقریر معنای آیه و خلاصه محتوای آیه و در تسنیم: بیان حکم فراگیر آیه؛ پاسخ‌گویی به اعتراض و مخالفت؛ جهت دادن به محتوای آیه؛ دفع توهّم و گمان اشتباه از محتوا؛ ضمانت اجرایی محتوای آیه؛ تحدید مفهوم؛ تقييد محتوا؛ جمع‌بندی مطالب؛ واسطة العقد؛ جمله معترضه هستند.

۶. گونه‌های انسانی پیوند معنایی مشترک در دو تفسیر عبارتند از: تشویق، تهییج، ترغیب، تحریک و بشارت؛ هشدار، وعید و تهدید؛ تنبیه، سرزنش و توبیخ.

۷. گونه‌های اختصاصی پیوند معنایی انسانی در تفسیر تسنیم شامل استهزا و تحقیر؛ وعده و وعید، تبشیر و انذار می‌باشد.

منابع

۱. آخوندی، علی اصغر (۱۳۹۴): «فواصل و چگونگی ارتباط معنایی آنها با آیات»، تهران: دانشگاه تهران.
۲. آخوندی، علی اصغر (۱۳۹۵): «بررسی تطبیقی تعاریف فاصله قرآنی»، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)، ۴۴، ۸۱-۹۶.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا (۱۳۹۹ق): «معجم المقاییس اللغة»، بیروت: دار الفکر.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق): «لسان العرب»، بیروت: دار صادر.
۵. باقلانی، محمد بن طیب (۱۹۹۷م): «اعجاز القرآن»، قاهره: دار المعارف.
۶. جوادى آملی، عبدالله (۱۳۹۰): «تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم»، قم: نشر اسرا.
۷. حسناوی، محمد (۱۴۰۶ق): «الفاصلة فی القرآن»، بیروت: المكتب الاسلامی.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا): «معجم مفردات الفاظ القرآن»، بی جا: دار الکتب العربی.
۹. رمانی، علی بن عیسی، خطابی و عبدالقاهر جرجانی (۱۳۸۷ق): «النکت فی اعجاز القرآن. فی ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن» قاهره: دار المعارف، دوم.
۱۰. زرکشی، محمد بن عبدالرحمان (۱۴۱۵ق): «البرهان فی علوم القرآن»، بیروت: دار المعرفة.
۱۱. سیوطی، جلال الدین (بی تا): «الاتقان فی علوم القرآن»، بیروت: دار الجیل.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۰): «تفسیر المیزان»، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران: بنیاد علامه طباطبایی، چهارم.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق): «کتاب العین»، قم: انتشارات هجرت.
۱۴. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۶ق): «القاموس المحيط»، بیروت: مؤسسة الرسالة.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

1. Akhondy, Ali asghar (2014): "Distances and how they are related to verses", Tehran: University of Tehran.
2. Akhondy, Ali asghar: (2016) "Comparative study of Quranic distance definitions", Approximate Studies of Islamic Religions (Forugh Vahdat), 44, 81-96.
3. Ibn Fares, Ahmad ibn Fares (1399): "Ma'jma al-Maqayis al-Logha", Beirut: Dar al-Fekr.
4. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Mokram (1414): "Lesa'n of the Arabs", Beirut: Dar Sadir.
5. Baghalani, Muhammad bin Tayyeb (1997): "Ijaz al-Qur'an", Cairo: Dar al-Ma'arif.
6. Javadi Amoli, Abdullah (1390-): "Tasnim, Tafsir of the Holy Qur'an", Qom: Isra'a Publishing House.
7. Hasnawi, Muhammad (1406): "Al-Faselah fi al-Qur'an", Beirut: Al-Maktab al-Islami.
8. Ragheb Esfahani, Hossein ibn Muhammad (N d): "mo'jam mofradat al-faz al-Qur'an", Bibi: Dar al-Kateb al-Arabi.
9. Rommani, Ali Ibn Isa, Khattabi and Abdul Qahir Jorjani (1387): "Al-Naqat fi Ijaz al-Qur'an. " In three messages in the miracles of the Qur'an" Cairo: Dar al-Maarif, II.
10. Zarkashi, Mohammad ibn Abd al-Rahman (1415): "Al-Burhan fi Ulum al-Qur'an", Beirut: Dar al-Marfa'a.
11. Siyuti, Jalal al-Din (n d): "Al-Itqan fi Ulum al-Qur'an", Beirut: Dar Al-Jael.
12. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (1370): "Tafsir al-Mizan", translated by Seyyed Mohammad Bagher Mousavi Hamdani, Tehran: Allameh Tabatabai Foundation, IV.
13. Farahidi, Khalil ibn Ahmad (1410 AH): "Kitab al-Ain", Qom: Hijrat Publications.
14. Firozabadi, Mohammad ibn Yaqub (1426): "Al-Qamoos Al-Muheit", Beirut: Al-Risalah Foundation

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

The..... year

The first number

Consecutive 15

Spring & Summer

2023